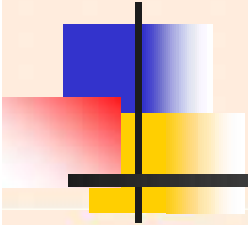
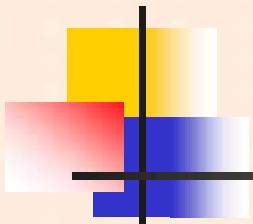


فصل چهارم



محصول و تقاضای کل



محصول (تولید) کل در کوتاه مدت

■ Potential output

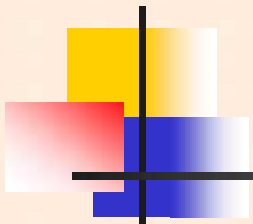
تولید بالقوه:

- سطح محصولی که اقتصاد در شرایط بکارگیری همه عوامل تولید می تواند تولید کند (اشتغال کامل).

■ Actual output

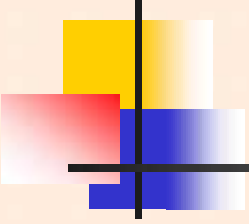
تولید بالفعل:

- آنچه که در عمل تولید می شود که می تواند از سطح تولید بالقوه انحراف داشته باشد.



الگوی درآمد - مخارج کینزی: الگوی دو بخشی

- قیمت ها و دستمزدها ثابت است.
- سطح محصول در عمل تقاضا محور است
- demand-determined
- فرض می شود که دولت و بخش خارجی وجود ندارد.
- در این حالت تقاضای کل دارای دو جزء است:
 - تقاضای مصرفی خانوارها برای کالاها و خدمات (Consumption)
 - تقاضای سرمایه گذاری بنگاه ها (افزایش برنامه ریزی شده سرمایه فیزیکی بنگاه ها (Investment)
- بنابراین **تقاضای کل (AD)** به شرح زیر است:
- $AD = C + I$



تقاضای مصرفی خانوارها

- خانوارها درآمد خود را به **مصرف (C)** و **پس انداز (S)** تخصیص می دهند.

- درآمد قابل تصرف شخصی:

- Personal Disposable Income

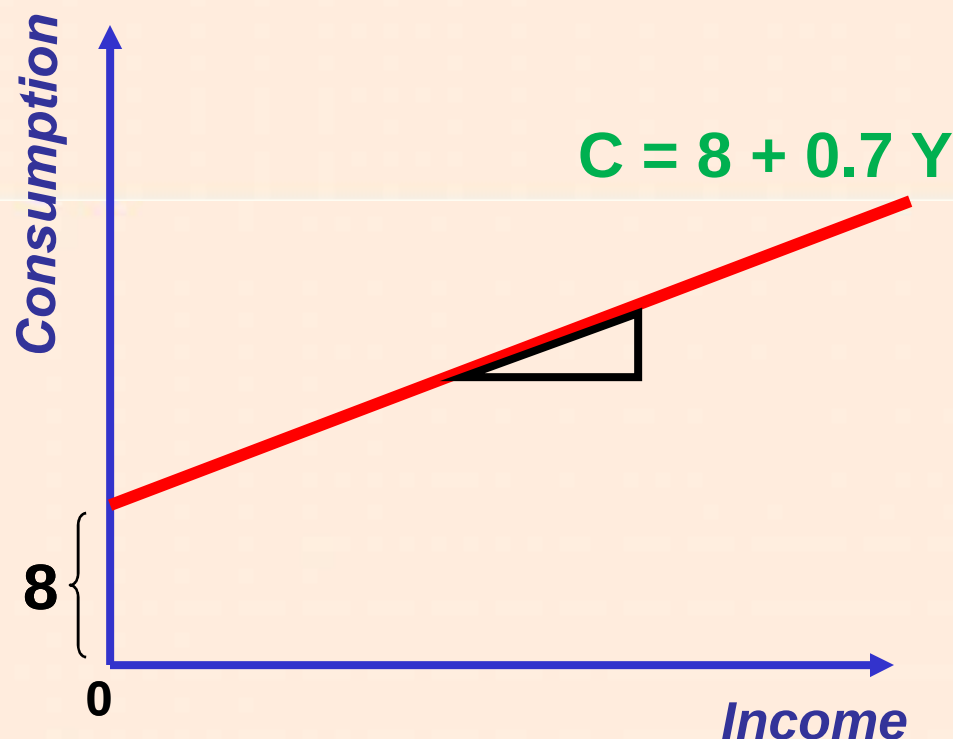
- درآمدی که خانوارها صرف مخارج و یا پس انداز می کنند.

- درآمد حاصل از عرضه عوامل تولید بعلاوه پرداخت های انتقالی دولت
منهای مالیات بر درآمد

The consumption function

تابع مصرف:

تابع مصرف نشان دهنده تقاضای مصرفی برنامه ریزی شده در هر سطحی از درآمد کل است.



در سطح درآمد صفر، مصرف معادل ۸ است که بدان مصرف مستقل گویند.
(autonomous consumption)

میل نهایی به مصرف (MPC):
(The Marginal Propensity to Consume)

شیب تابع مصرف (0.7) است که نشان می دهد با افزایش یک واحد درآمد چه میزان مصرف افزایش می یابد.

The saving function

تابع پس انداز:

Saving

تابع پس انداز نشان دهنده پس انداز برنامه ریزی شده در هر سطحی از درآمد کل است.

$$S = -8 + 0.3 Y$$

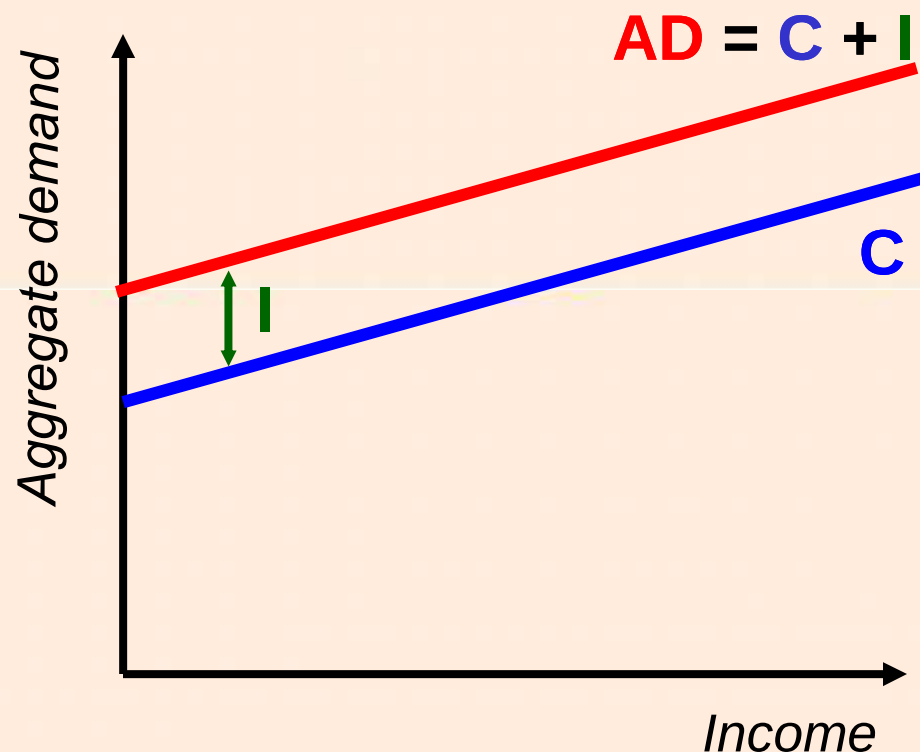
چون کل درآمد یا پس انداز و یا مصرف می شود، تابع پس انداز از تابع مصرف استخراج می شود (و برعکس).

0

Income

The aggregate demand

تقاضای کل:

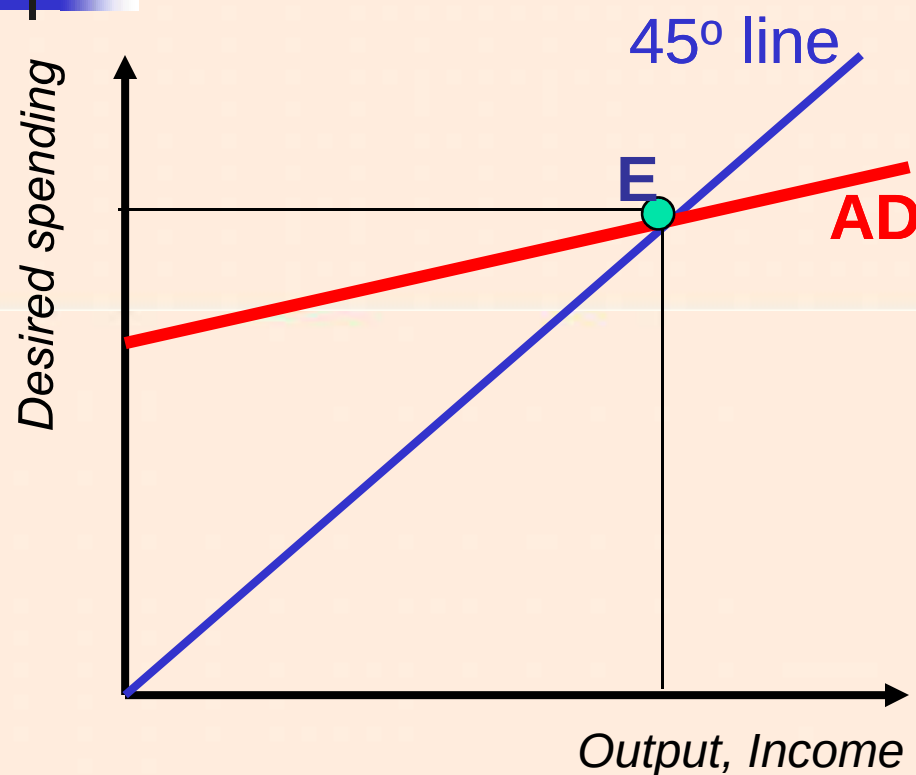


در الگوی درآمد - مخارج دو بخشی،
تقاضای کل (AD) شامل تقاضای
مصرفی برنامه ریزی شده خانوارها
(C) و تقاضای سرمایه گذاری برنامه
ریزی شده بنگاه ها (I) است.

تابع تقاضای کل (AD) از جمع
عمودی C و I بدست می آید.
در این الگو فرض می شود که I
مستقل است.

Equilibrium output

محصول (تولید) تعادلی:



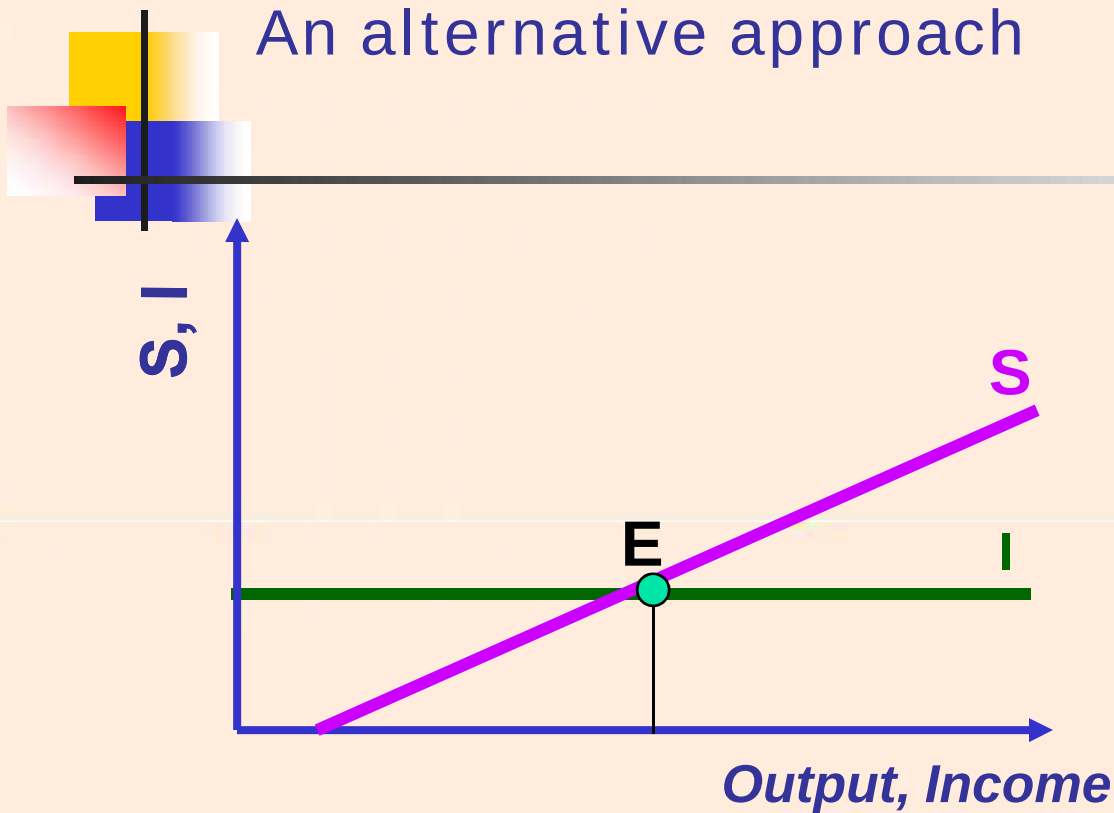
خط ۴۵ درجه نشان دهنده نقاطی است که در آن مخارج برنامه ریزی شده مساوی با درآمد و یا محصول است.

با توجه به منحنی **AD**، تعادل در نقطه **E** است که در آن مخارج برنامه ریزی شده با درآمد و یا محصول عملکرد مساوی است.

$$Y = AD = C + I$$

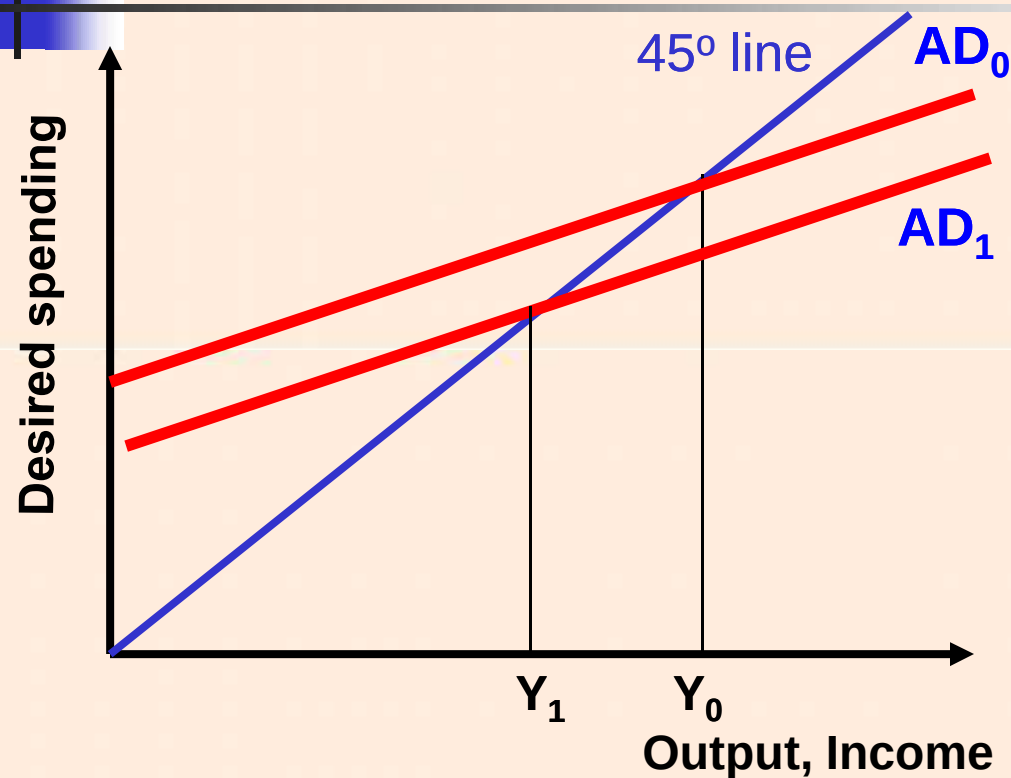
رویکرد جایگزین:

An alternative approach



در نگاهی یکسان می توان گفت که
در تعادل، سرمایه گذاری برنامه
ریزی شده (I) مساوی پس انداز
برنامه ریزی شده (S) است.
دو شرط تعادل باهم معادل هستند.

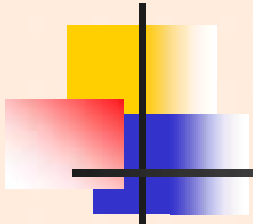
اثر یک کاهش در تقاضای کل



فرض کنید که اقتصاد در حالت تعادل اولیه در سطح محصول تعادلی Y_0 باشد.

یک کاهش در تقاضای کل تا AD_1 باعث انتقال اقتصاد به سطح محصول تعادلی جدید Y_1 می شود.

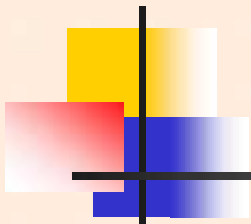
توجه کنید که تغییرات محصول تعادلی، بزرگتر از تغییرات اولیه AD است.



The multiplier

ضریب فزاینده:

- ضریب فزاینده نسبت تغییر در محصول تعادلی به تغییر در مخارج مستقل (مانند مصرف مستقل، سرمایه گذاری مستقل، ...) است که موجب تغییر در محصول می شود
- هرچه میل نهایی به مصرف بزرگتر باشد، ضریب فزاینده نیز بزرگتر است.
- هرچه میل نهایی به پس انداز بزرگتر باشد، سهم بیشتری از یک واحد درآمد اضافی از جریان مدور اقتصاد تراوش کرده و منجر به کاهش محصول تعادلی می شود.



دولت در الگوی درآمد - مخارج: الگوی سه بخشی

- **سیاست مالی (Fiscal policy)**
تصمیمات دولت در مورد مخارج و درآمدها
- **سیاست ثبات سازی (Stabilisation policy)**
اقدامات دولت در مورد نگهداشت سطح محصول، نزدیک به سطح تولید بالقوه
- **کسری بودجه (Budget deficit)**
مازاد مخارج دولت نسبت به درآمدهای دولت
- **بدهی ملی (National debt)**
مانده موجودی بدهی دولت
- **مالیات های مستقیم**
شیب تابع مصرف و در نتیجه شیب منحنی تقاضای کل (AD) را تحت تأثیر قرار می دهد.
- **مخارج دولت** موقعیت منحنی تقاضای کل را تحت تأثیر قرار می دهد.

شرط تعادل بازار محصول در الگوی سه بخشی

$$\text{GDP به قیمت بازار} = \text{مخارج نهایی} = C + I + G$$

$$Y = \text{GDP به قیمت پایه} = C + I + G - T_e$$

$$\text{درآمد قابل تصرف} = Y + B - T_d$$

$$S = (Y + B - T_d) - C, \quad Y = S + C + T_d - B$$

$$S + C + T_d - B = C + I + G - T_e$$

$$S + T_d + T_e - B = I + G$$

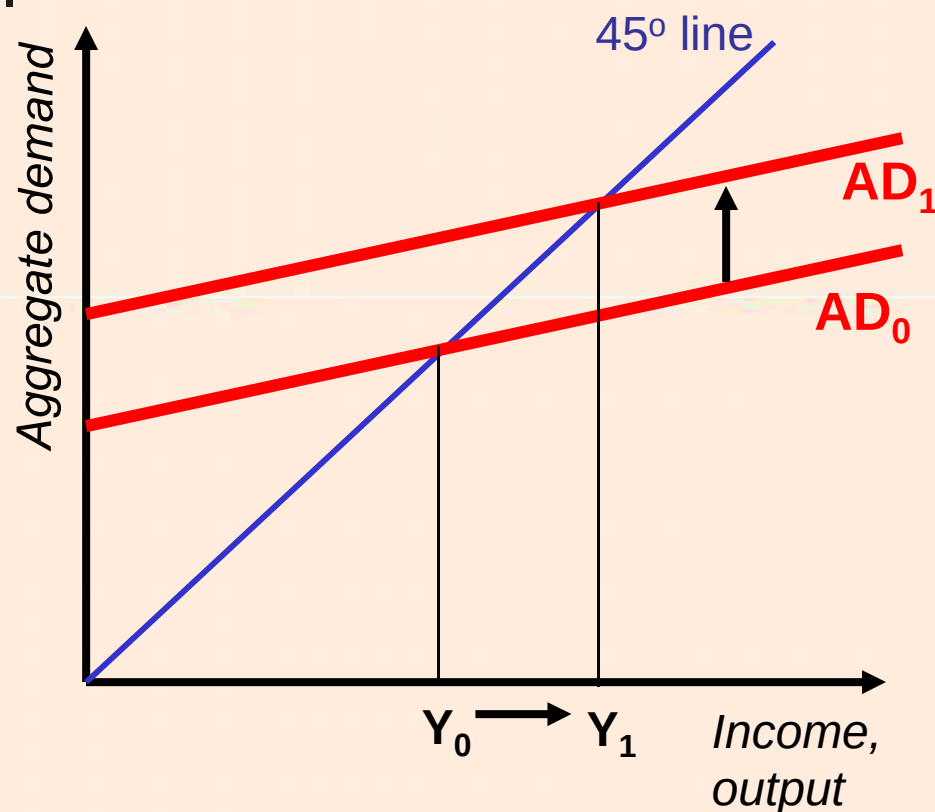
شرط تعادل بازار محصول با وجود خانوارها، بنگاه ها و دولت

$$S + T = I + G$$

$$\text{مجموع تزریقات} = \text{مجموع تراوشات}$$

Fiscal policy

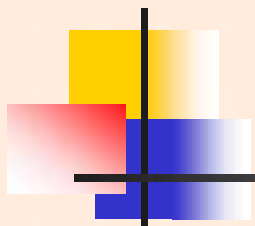
سیاست مالی:



دولت می تواند سطح محصول کل را در اقتصاد، از طریق افزایش مخارج خود و در نتیجه افزایش تقاضای کل تحت تأثیر قرار دهد.

باید توجه داشت که در این بخش، قیمت ها ثابت فرض شده و نرخ بهره و تأمین مالی مخارج دولت در نظر گرفته نشده است.

با فروض فوق محصول تعادلی از Y_0 به Y_1 افزایش می یابد.

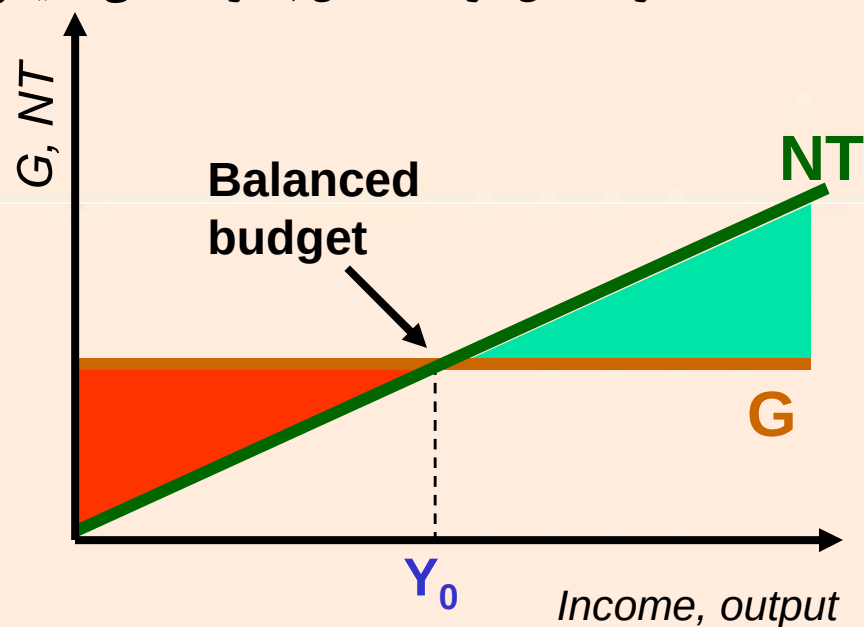


The government budget

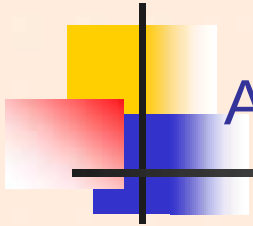
بودجه دولت:

کسری بودجه مساوی است با مخارج کل دولت منهای درآمد کل دولت. فرض کنید که درآمد کل دولت معادل با درآمدهای مالیاتی باشد.

مخارج دولت مستقل فرض می شود. ولی خالص مالیات تابعی از درآمد است. در این حالت در سطوح پایین درآمد دولت با کسری بودجه و در سطوح بالای درآمد با مازاد بودجه مواجه است



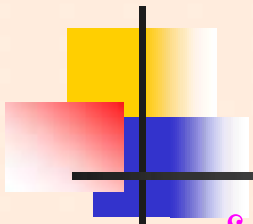
ضریب فزاینده بودجه متوازن بیان می کند که اگر مخارج دولت معادل با افزایش در مالیاتها افزایش یابد، سطح محصول تعادلی بیشتر می شود.



Automatic stabilisers

ثبات دهنده های خودکار:

- مکانیزم هایی در اقتصاد هستند که اثرات شوک ها را بر GNP کاهش می دهد.
برای مثال در دوره رکود:
- پرداخت برای حقوق بیکاری افزایش می یابد.
- دریافت از مالیات بر ارزش افزوده و مالیات بر درآمد کاهش می یابد.



محدودیت های اجرای سیاست مالی فعال (۱)

چرا شوک های وارده به تقاضای کل نمی تواند سریعاً با اجرای سیاست مالی جبران شود؟

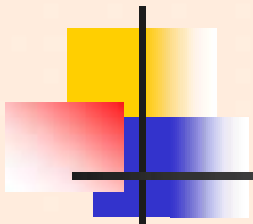
■ وجود وقفه های زمانی: زمان می برد تا

- مسئله شناسایی شود
- اقدامی صورت گیرد
- فرایند ضریب فزاینده عمل کند

■ وجود نااطمینانی

- اندازه ضریب فزاینده نامشخص می شود
- تقاضای کل دائماً تغییر می کند

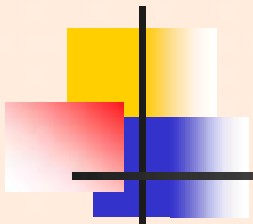
■ تغییر در سیاست مالی ممکن است منجر به اثرات جبرانی در سایر اجزای تقاضای کل شود



محدودیت های اجرای سیاست مالی فعال (۲)

چرا وقتی بیکاری بالا و پایدار است دولت سیاست مالی انبساطی اجرا نمی کند؟

- سیاست های مالی انبساطی شدید به افزایش کسری بودجه منجر می شود. در صورت افزایش کسری بودجه دولت مسئله افزایش تورم نگران کننده است.
- ممکن است اقتصاد در وضعیت اشتغال کامل باشد.
- بخشی از بیکاری به صورت داوطلبانه است.



تجارت خارجی در الگوی درآمد - مخارج: الگوی چهاربخشی

■ در این الگو بخش تجارت خارجی شامل ارزش صادرات (X) و واردات (M) اضافه می شود.

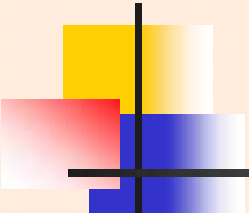
■ **تراز تجاری:** ارزش خالص صادرات (X-M)

■ **کسری تجاری:** وقتی که واردات از صادرات بیشتر می شود.

■ **مازاد تجاری:** وقتی که صادرات از واردات بیشتر می شود.

■ **تعادل بازار محصول** در الگوی چهار بخشی به شرح زیر است:

$$Y = C + I + G + X - M$$



شرط تعادل بازار محصول در الگوی چهار بخشی

- **واردات (M) :** تقاضای اقتصاد داخلی از کالا و خدمات خارجی. تابعی است مستقیم از درآمد (تولید) اقتصاد داخلی و معکوس از نسبت قیمت خارجی به قیمت داخلی (نرخ ارز حقیقی).
- **صادرات (X):** تقاضای خارجی از کالاها و خدمات اقتصاد داخلی. تابعی است مستقیم از درآمد خارجی و مستقیم از نسبت قیمت خارجی به قیمت داخلی.

$$X = X(Y_f, e), \quad M = M(Y, e)$$

- $e = (P^* \cdot E) / P$ نسبت قیمت خارجی به قیمت داخلی برحسب واحد پول یکسان
- P^* شاخص قیمت خارجی برحسب پول خارجی
- E نرخ ارز اسمی (قیمت یک واحد پول خارجی برحسب پول داخلی)
- P شاخص قیمت داخلی

شرط تعادل بازار محصول با وجود خانوارها، بنگاه ها، دولت و بخش خارجی اقتصاد

$$S + T + M = I + G + X$$

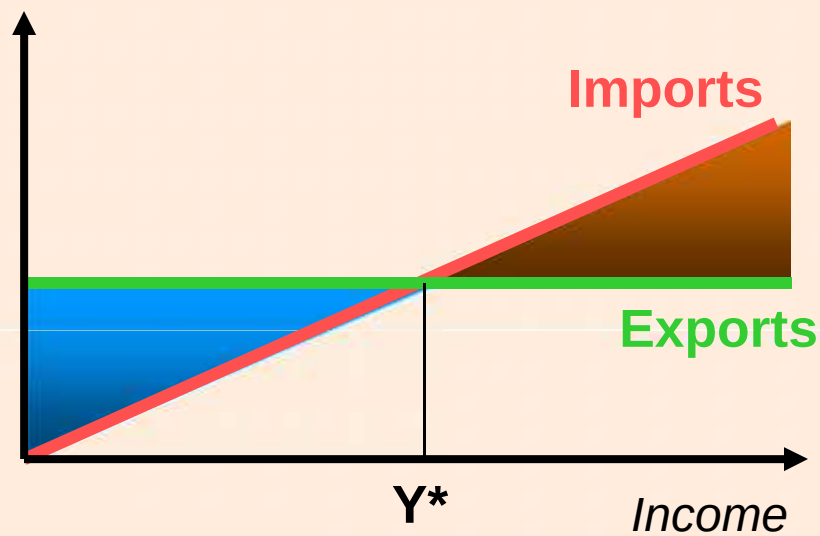
مجموع تراوشات = مجموع تزریقات

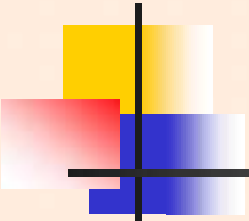
صادرات و واردات و تراز تجاری

$\sum$ فرض کنید که صادرات مستقل از درآمد
 $\bar{X}$ ولی واردات تابعی مستقیم از درآمد است.

در سطوح پایین درآمد، صادرات از واردات بیشتر است در این حالت مازاد تجاری وجود دارد. در سطوح بالای درآمد، کسری تجاری وجود دارد.

در سطح محصول Y^* تراز تجاری متوازن است ولی لزوماً اقتصاد در اشتغال کامل نیست.





تجارت خارجی و ضریب فزاینده

■ میل نهایی به واردات

■ افزایش واردات به ازای افزایش یک واحد درآمد

■ در الگوی چهار بخشی، تجارت خارجی باعث کاهش ضریب فزاینده می شود.

■ هرچه میل نهایی به واردات بیشتر باشد، مقدار ضریب فزاینده کوچکتر است.